یادداشت روز

DNA تروریست‌ها و تحریف‌کنندگان یکی است؟!

محمد ایمانی

اقدام تروریستی، اگرچه پُرسروصدا، اما نوعا از عجز بانیان آن در مصاف رویارو حکایت می‌کند. ترور چهره‌های ارزشمند و گمنام، خبری در خود نهفته دارد و آن، اعتراف دشمن به توانمندی‌های ملت ماست. سازمان عملیات روانی دشمن، همواره سعی می‌کند ایران را فاقد مولفه‌های قدرت نشان دهد. اما شهادت فخری‌زاده‌ها و شهریاری‌ها و علی‌محمدی‌ها که نوعا در گمنامی زیسته‌اند - و هزاران مانند آنها خدمت می‌کنند- اتفاقا ثابت می‌کند انقلاب اسلامی کانون جوشان تولید قدرت بوده است.

صهیونیست‌ها به‌عنوان متهم اصلی ترور اخیر، بارها از سر درماندگی درباره قدرت علمی و فنی ایران گفته‌اند. این هراس، با اسرائیل چسبندگی یافته و جز با زوال این رژیم از بین نخواهد رفت. به یاد بیاوریم سخنان آبان ۹۴ «هرتسل هالوی»(فرمانده رکن اطلاعات در ستاد ارتش اسرائیل) را که گفت: «از ابتدای انقلاب ۱۹۷۹، ما ۳ برابر رشد علمی داشته‌ایم اما رشد ایران ۲۰ برابر شده. آنها به برتری فنی نزدیک می‌شوند. جنگ واقعی در آینده نیست؛ همین حالا جریان دارد. برداشته شدن فاصله ۳۰ سال پیش، برای ما بسیار پُرهزینه خواهد بود. جنگ امروز، جنگ ذهن‌هاست و تبلیغات طرف مقابل می‌تواند روحیه اسرائیلی‌ها را درهم بشکند». همچنین اظهارات یوزی رابین(مدیر سابق برنامه موشکی اسرائیل) را که تیرماه ۹۴ گفت «ایرانی‌ها به خوبی در جریان تحولات موشکی هستند. آنها فاتح ۱۱۰ را ساختند و به عنوان یک مهندس می‌گویم به‌خوبی کار کرده‌اند. با افزایش دقت این موشک و سر جنگی ۵۰۰ کیلویی، هر کدام آنها حالا می‌توانند «یک بلوک شهری» را نابود کنند. باور کردنی نیست؛ موشک‌های بالستیک ایران در حجم بالا در حال تولید، ذخیره و حتی صادرات است. آنها می‌توانند با موشک‌های ۲۰۰۰ کیلومتری نقطه‌زن، اسرائیل را فلج کنند. من به احترام افرادی که این کار را انجام دادند، کلاه از سر برمی‌دارم. این دستاوردها در شرایط تحریم به دست آمده است».

نکاتی که درباره خدمات شهید فخری‌زاده منتشر می‌شود، نشان می‌دهد او در جایگاه حکیم ذوالفنون(فراتر از یک شاخه علمی و فنی) قرار داشته است. از فلسفه و ادبیات تا فیزیک، و از ابداع پدافند هسته‌ای، شناسایی پرنده‌های دشمن از طریق غیررادار و استفاده از لیزر در پدافند هوایی، تا نقش‌آفرینی در گسترش برنامه هسته‌ای و این آخری، تولید کیت تشخیص کرونا و فاز اول آزمایش انسانی واکسن کرونا. در این میان، ترور، به‌عنوان یک شبیخون خسارت‌بار، زنگ هشدار برای ذهن‌های خواب‌زده است. چهار دانشمند هسته‌ای ما در دوره اوباما ترور شدند؛ از ۲۷ دی ۸۸(مقارن فتنه سبز) تا دو سال بعد. ترور سردار سلیمانی و شهید فخری‌زاده هم از نتایج برجام و فتنه‌های اقتصادی برآمده از آن (دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸) بود. نسبت روشنی میان فتنه‌انگیزی داخلی و جرأت یافتن دشمن برای زدن ضربات امنیتی دیده می‌شود. به تعبیر آقای مطهری نایب‌رئیس مجلس دهم؛ «حوادث آبان ۹۸ که بیشتر ناشی از بی‌تدبیری دولت بود، این خیال را در سر تندروهای آمریکا پدید آورد که وقت مناسبی برای ترور سردار سلیمانی است. قبل از آن، جرأت این کار را به خود نمی‌دادند».

همان کسانی که پس از ترور شهید سلیمانی گفتند تلافی نکنید، حالا هم می‌گویند در تله اسرائیل نیفتید و انتقام نگیرید! سند همکاری با بانیان صهیونیست ترور، روشن‌تر از این؟ این گروه، همان‌ها هستند که وسط فتنه سبز، سنگ رژیم صهیونیستی را به سینه زدند و لقب «سرمایه و پیاده نظام اسرائیل» را از سران آن رژیم گرفتند. آنها ادعا می‌کنند صهیونیست‌ها خواسته‌اند در مسیر مذاکره با دولت بعدی آمریکا کارشکنی کنند و حال آنکه دولت اوباما، بانی آشوب‌افکنی، خرابکاری و ترور هسته‌ای، جنگ نیابتی داعش، تحریم‌های فلج‌کننده و نقض سیستماتیک برجام بود. مغالطه درباره دولت بایدن در حالی است که به تعبیر سی‌ان‌ان، «عشق به اسرائیل، در DNA بایدن است. یهودی‌ها کمتر از یک درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند اما ۶۷ درصد انتصاب‌های بایدن، یهودی و حامی اسرائیل بوده است». در مذاکرات منتهی به برجام، کری و شرمن، قبل و بعد هر مذاکره، به تل‌آویو می‌رفتند، هماهنگ می‌کردند و گزارش می‌دادند. در جنایت اخیر نیز، بایدن و تیم او سکوت توام با رضایت اختیار کرده‌اند و حال آنکه اگر نگران مذاکره کذایی و برجام بودند، باید جنایتی را که اسرائیل و ترامپ متهم آن هستند، محکوم می‌کردند. از اینها گذشته، احتمالا برخی سیاسیون دچار آلزایمر حاد شده‌اند وگرنه نباید تصویر خلاف واقع از بانیان خدعه‌گر برجام ترسیم می‌کردند.

این اعترافات را که مشتی از خروار است، مرور کنید؛ «ظریف در گفت‌وگو با مجله آگاهی نو: روحانی به برجام عمل کرد، اما اوباما نه؛ مصوبات برخلاف برجام، در دوره اوباما آمد». «سیف رئیس‌کل بانک مرکزی: ما قادر نیستیم از پول‌های خود در خارج استفاده کنیم؛ آمریکا به تعهداتش عمل نکرد. تقریباً هیچ چیز از برجام عاید ما نشده». «نامه اعتراضی ایران به سازمان ملل: تمدید قانون تحریم ایسا، مغایر تعهدات آمریکا در برجام است». «ظریف در مجلس: اشتباه کردیم به حرف کری اعتماد کردیم؛ وزیر خارجه و خزانه‌داری آمریکا به ما گفته بودند اگر قانون داماتو به سنا برود، ما جلوی آن را می‌گیریم؛ عدم اجرای ایسا جزو توافق بود و تصویب آن نقض برجام است». «سخنگوی دولت اوباما: برجام یک معاهده رسمی نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع این شود که طرفِ توافق، آن را ترک کند». «صالحی عضو تیم مذاکره‌کننده: آمریکایی‌ها نه یک دبه، بلکه دبه‌های زیادی در آورده‌اند و از روز نخست، دبه را آغاز کردند».

برجام نه در خدمت اقتصاد ما بود، نه در خدمت پیشرفت برنامه هسته‌ای و نه در خدمت امنیت ملی. چرا که هدف طراحان غربی آن، مهار و تضعیف ایران بود. یک خسارت مهم برجام، آسیب به سامانه انسانی پیشرفت است. آسیب اصلی را برجام با تعلیق و تعطیلی ۹۵ درصد سرمایه هسته‌ای ما و از آن مهم‌تر، کم‌فروغ نشان دادن آینده این برنامه و پراکندن نیروهای متخصص زد؛ جاسوسی از طریق بازرسی‌های بی‌سابقه و خرابکاری در تاسیسات و ترور متخصصان هم جای خود. به یاد بیاوریم سخنان دیوید آلبرایت رئیس موسسه علوم و امنیت را که در جلسه استماع دسامبر ۲۰۱۴ در کمیته روابط خارجی سنا گفت «بازرسان آژانس، پیاده‌نظام آمریکا هستند. بسیاری از اطلاعاتی که دستگاه‌های جاسوسی آمریکا از ایران دارند، نه به واسطه تلاش‌های خود، بلکه از طریق اطلاعاتی است که بازرسان آژانس در اختیار قرار داده‌اند». اکنون هم که یک دانشمند برجسته هسته‌ای در سطح جهانی، توسط یک رژیم بی‌آبرو و فراری از نظارت‌های هسته‌ای ترور شده، آژانس اجازه ندارد جنایت را محکوم کند، یا بابت بهره‌برداری تروریست‌ها از اطلاعات سرّی آژانس عذرخواهی نماید. تروئیکای اروپایی هم که ظاهرا باید نگران سرنوشت برجام باشند، به جای محکومیت ترور، از ایران می‌خواهند خویشتنداری کند و انتقام نگیرد! مذاکره و توافق قرار بود تهدید و تحریم‌ها را بردارد اما هر دو را افزایش داد.

اینک دوره جدیدی آغاز شده و کاربست اقتدار بازدارنده را طلب می‌کند. برجام، در قواره پاسخ به اقتضائات دوره جدید نیست. این تحلیل تلخ را روزنامه دولتی ایران، اخیرا در صفحات داخلی منتشر کرد: «نباید تجربه دفعه گذشته (قبل از برجام) را تکرار کنیم. همه تجربیاتی را که درباره راه‌های مقاومت و دور زدن تحریم داشتیم، براحتی کنار گذاشتیم و فکر کردیم با امضای برجام دیگر تحریم نخواهیم شد. حتی اگر ایران نرمال زندگی کند، باز هم برای دشمنان قابل قبول نیست و انتظار دارند ما هیچ حرکتی در جهت افزایش قدرت دفاعی، حمایت از مرزهای‌مان و افزایش عمق استراتژیک کشور انجام ندهیم». در همین حال سایت عصر ایران (حامی دولت) در نکوهش رویکرد منفعلانه پس از ترور اخیر نوشته است «از زمان خروج آمریکا از برجام، ایران سیاست صبر استراتژیک را در پیش گرفت و به تعهدات برجامی پابرجا ماند، به این تصور که بتواند حمایت اروپا را داشته باشد... صاحب این قلم بارها در نوشته‌های خود سیاست صبر را مورد تایید قرار داده، اما این سیاست از این پس جوابگوی منافع ملی نیست؛ دشمنان با محاسبه این سیاست، بر این گمانند که ایران خطوط قرمزش را نقض می‌کند. هیچ توجیهی نمانده، باید محاسبات دشمن را به هم ریخت. پاسخی درخور، سریع و شوک‌آور از ناحیه‌ای که انتظار آن را نداشته است و به هم ریختن محاسبه او، در راستای تامین منافع و امنیت ملی خواهد بود».

بقیه در صفحه ۱۱

آقای ظریف! اقدام ضد منافع ملی خود را به دیگران نسبت ندهید

سرویس سیاسی-

آقای ظریف در گفت‌وگویی مدعی شده است برخی در داخل به غربی‌ها گرا داده و گفته‌اند با ما بهتر می‌توانید کار کنید، این ادعای بدون سند در حالی است که وزیر امور خارجه چندین‌بار به‌صورت آشکار منافع ملی و سیاست خارجی کشور را به منافع حزبی و جناحی پیوند زده است.

«محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه اخیرا گفت‌وگویی با سایت خبری انتخاب که در رسانه‌ها به سایت «حق‌العمل‌کار» معروف است انجام داده و طبق معمول به جای پاسخگویی نسبت به پیامدهای عملکرد خود بر سیاست و اقتصاد کشور، به حمله و تخریب علیه منتقدان پرداخت.

او همچنین در این گفت‌وگو بار دیگر تلاش کرده ضمن مظلوم‌نمایی، نقش خود را در حد یک تکنسین مذاکره تقلیل دهد که البته این تخفیف و تنزل نقش معمولا در شرایط شکست ایده مرکزی اجتناب‌ناپذیر است

اما نکته قابل تأمل در این گفت‌وگو آنجاست که آقای ظریف برای بار چندم از ضرورت پرهیز از نگاه جناحی به سیاست خارجی سخن گفته است. ظریف مدعی شده: «اصولا سیاست خارجی را جناحی نمی‌بینم؛ یعنی سیاست خارجی باید بر قاعده فراجناحی طرح‌ریزی شود. اما متأسفانه این امر در کشور ما از سوی برخی جناح‌ها نادیده گرفته می‌شود. ما باید در پی منافع ملی باشیم؛ حال چه در دولت دوازدهم باشد چه در دولت سیزدهم.»

ظریف در ادامه همچنین با نسبت دادن ادعای دیگری به منتقدان گفته است: «بعضی دوستان می‌روند و به آمریکا «گرا» می‌دهند که با ما بهتر می‌توانید کار کنید. ما که سکوت می‌کنیم، دلیل نمی‌شود که متوجه این گراها نیستیم. من کسی را متهم نمی‌کنم، ولی می‌دانم و خبرش را بهم می‌دهند که گفته‌اند اینها در قدرت نمی‌مانند و قدرت اینها چند روزه است. اینجاست که فکر می‌کنم سیاست خارجی نیاز به این دارد که منسجم باشد، اینجاست که فکر می‌کنم ما با خارجی که طرفیم، یک نفر واحد باید تلقی شویم.»

درباره ادعاهای مطرح شده از سوی وزیر امور خارجه سؤال مهم این است که آقای ظریف و دوستان در این سال‌ها چقدر به ضرورت پرهیز از نگاه جناحی به سیاست خارجی پایبند بوده‌اند و دیگر آنکه چه کسانی در واقعیت به آمریکایی‌ها گرا دادند که با ما بهتر می‌توانید کار کنید؟! پاسخ این پرسش‌ها چندان سخت نیست و با اندکی جست‌وجو در سوابق کاری و مواضع وی به سهولت در دسترس است. پایبندی آقای ظریف به غیرجناحی شدن سیاست خارجی را می‌توان از کنشگری وی به‌عنوان عضو ارشد مذاکره‌کننده پرونده در دورانی که پرونده هسته‌ای در اختیار دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و حسن روحانی بود سنجید و مشخص کرد که چه کسی به‌دنبال استفاده حزبی و سیاسی از مذاکرات هسته‌ای به قیمت هزینه کردن از منافع ملی بودند و البته به غربی‌ها گراهای معناداری می‌دادند.

وزیر امور خارجه دولت روحانی سال ۱۳۹۳ در اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا سخنرانی کرد و در این نشست هاله اسفندیاری، مدیر بخش مطالعات خاورمیانه اندیشکده «ودرو ویلسون» از ظریف پرسید: «لطفا درباره تأثیر گفت‌وگوها بر مسائل سیاسی داخلی ایران توضیح بفرمایید البته می‌دانم که این حوزه، مدنظر شما نیست.»

اگر با ما توافق نکنید مردم در انتخابات به ما رای نمی‌دهند!

جواد ظریف نیز به این سؤال این‌گونه پاسخ داد: «بی‌تردید، همین‌طور است زیرا ما روندی را شروع کرده‌ایم که هدف از آن تغییر فضای سیاست خارجی کشور است. اگر با وجود تلاش‌های ما برای تعامل، این تلاش‌ها بی‌نتیجه بماند، مردم ایران این فرصت را خواهند داشت تا ۱۶ ماه دیگر که انتخابات پارلمانی در ایران برگزار می‌شود، به این عملکرد ما (با آرای خود) پاسخ دهند. وقتی قبلاً در تعامل و مذاکرات درباره توافق هسته‌ای با جامعه بین‌المللی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، توافق‌هایی کردیم و تلاش‌های ما برای عملکرد شفاف، از جانب اتحادیه اروپایی رد شد، مردم جواب ما را با انتخاب رئیس‌جمهوری متفاوت دادند که مرا هم زود بازنشسته کرد! البته باید توجه داشت که اتحادیه اروپایی به تنهایی فعالیت نمی‌کرد و مقامات کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا مانع از هرگونه توافق شدند، همان‌طور که حالا هم کسانی هستند که نمی‌خواهند هیچ‌گونه توافقی حاصل شود قطع نظر از اینکه مفاد آن چه باشد. حالا من بار دیگر زنده شده‌ام(خنده حضار). به‌نظر من، در انتقال پیامی که جامعه بین‌المللی و به‌ویژه غرب می‌خواهد به ایران منتقل کند باید بسیار دقت کند. باید دید تعامل از جانب ایران و تلاش ایران برای باز بودن و نگاه به آینده داشتن با پاسخ مثبت مواجه می‌شود یا اینکه بار دیگر، رد می‌شود. من فکر می‌کنم مردم ایران پاسخ خود را در صندوق‌های رای نشان خواهند داد.»

تعلل در توافق با ما نتیجه‌ای مشابه انتخابات ۸۸ را در پی خواهد داشت!

او چندی بعد و در آستانه مذاکرات وین ۶، این‌بار با انتشار یک ویدئو، یک‌بار دیگر دغدغه‌های خود از شکست مذاکرات را مطرح کرد!

ظریف در این فیلم گفت: «ما می‌توانستیم مسئله هسته‌ای را در سال ۱۳۸۴ حل و فصل کنیم ولی در آن زمان حرف من را باور نمی‌کردند، وقتی می‌گفتم ایرانی‌ها به فشار حساسیت دارند، دولت بوش با اصرار بر اینکه ما غنی‌سازی را به کلی رها کنیم... با نزدیک شدن به ۲۹ تیر من یک‌بار دیگر احساس نیاز می‌کنم که هشدار دهم و بگویم بازی شاهین- قمری به امید گرفتن امتیاز در لحظه آخر، نمی‌تواند نتیجه‌ای بهتر از سال ۱۳۸۴ بدهد.»

کاندیداهای مخالف ما از شکست مذاکرات سود می‌برند!

ظریف در سال ۲۰۰۴ و در مذاکرات سعدآباد نیز در حالی که در گوشه‌ای در حال مذاکرات محرمانه با محمدالبرادعی مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود؛ نگرانی‌های جریانی و حزبی خود را با البرادعی در جریان گذاشت.

او به البرادعی درباره آثار و تبعات شکست مذاکرات گفت و گفت: «بسیاری از کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری(انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۴) از شکست مذاکرات ما سود می‌برند. آنها موفقیتی در این گفت‌وگوها نمی‌بینند، از طرفی آنها آدم‌های پرنفوذی هم هستند. اعتبار اروپایی‌ها و مذاکره‌کنندگان ایرانی هر دو در ایران از دست رفته است. این تنها مشکل اعتماد به آنها نبود؛ این مشکل اعتماد به جبهه ما هم بود. اعتماد به نوع اعتبار ما در خانه».

گفت و شنود

تابلو نیست!

گفت: آقای ظریف در مصاحبه با سایت حق‌العمل‌کار انتخاب گفته است عده‌ای از داخل کشور به غربی‌ها گرا داده‌اند که با این دولت مذاکره نکنید اینها رفتنی هستند! صبر کنید با ما مذاکره کنید!

گفتم: نگفته چه کسانی بوده‌اند که به غربی‌ها گرا داده‌اند؟!

گفت: نه، مثل ادعای پولشویی که در اوج فشار آمریکایی‌ها به ایران مطرح کرد ولی هرچه دستگاه قضایی اصرار کرد چیزی نگفت!

گفتم: ولی من می‌دونم چه کسانی به آمریکا گرا داده‌اند! همون که در شورای روابط خارجی آمریکا با جاسوس نشان‌دار سیا مصاحبه کرد و گفت، اگر با ما به توافق هسته‌ای نرسید، مخالفان آمریکا در ایران روی کار می‌آیند!

گفت: اون که خود ظریف بود و خبرش هم در رسانه‌های داخل و خارج منتشر شد.

گفتم: پس شاید اون کسی که به البرادعی گفته بود از شکست ما در مذاکرات، تندروها سود می‌برند!

گفت: اون هم که خود آقای ظریف بود و البرادعی هم در خاطراتش نقل کرده!

گفتم: شخصی که برای بازدید به یک نمایشگاه عکس رفته بود، جلوی یک تابلو ایستاد و به مدیر نمایشگاه گفت؛ آخه این دیگه کیه که عکسشو تابلو کردین؟ مدیر نمایشگاه گفت؛ قربان! این تابلو نیست، آینه است!

رسانه‌های غربی فاش کردند

دانشمند ایرانی با چراغ سبز آمریکا و به دست اسرائیل ترور شد

سرویس سیاسی-

روزنامه «واشنگتن‌پست» به‌نقل از مقام ارشد آمریکایی نوشت: شکی وجود ندارد که اسرائیل پشت ترور دانشمند ایرانی بوده است. همچنین «گاردین» نوشت: ترور (شهید) فخری‌زاده توسط اسرائیل و با مجوز ترامپ انجام گرفته است.

ترور کور و بزدلانه دانشمند برجسته کشورمان شهید محسن فخری‌زاده با واکنش‌های بسیاری در سراسر جهان همراه شده و بسیاری از کشورها این جنایت تروریستی را محکوم کردند. علاوه‌بر این، بازتاب شهادت دانشمند ایرانی در مهم‌ترین رسانه‌های جهان همچنان ادامه دارد.

مقام آمریکایی: اسرائیل پشت ترور دانشمند ایرانی است

روزنامه «واشنگتن‌پست» به نقل از مقام ارشد آمریکایی نوشت: ایالات‌متحده آمریکا ارتباطی با ترور دانشمند هسته‌ای ایران ندارد و فکر می‌کنم این مسئله به ایران گفته شده است. این مقام آمریکایی که هویت آن فاش نشده است در ادامه گفت: شکی وجود ندارد که اسرائیل پشت این حمله بوده است. پیش از این یک مقام ارشد رژیم صهیونیستی که نامش فاش نشده است در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک‌تایمز ترور شهید محسن فخری‌زاده را به این رژیم منتسب کرد.

این مقام ارشد رژیم صهیونیستی گفته دنیا باید از اسرائیل به خاطر ترور دانشمند هسته‌ای ایران تشکر کند.

روزنامه «تاگس آنسایگر» سوئیس در مطلبی به این حادثه تروریستی پرداخت و نوشت: در ایران تعدادی از دانشمندان هسته‌ای ترور شده‌اند، اما می‌توان ترور محسن فخری‌زاده را با ترور سردار سلیمانی مقایسه کرد.

نویسنده در ادامه نوشت: اما مشخص است که موساد فخری‌زاده را در تیررس خود قرار داده بود و این مسئله بعید نیست که این مخالف ایران کمی قبل از تغییر قدرت در واشنگتن خواسته تلاش کند ضربه قاطعی به نظام جمهوری اسلامی وارد کند.

این روزنامه سوئیسی در ادامه این مطلب نوشت: تهران صرف‌نظر از اینکه چه‌کسی مسئول این حمله تروریستی است آن را بدون پاسخ نمی‌گذارد.

گاردین: فخری‌زاده توسط اسرائیل و با مجوز ترامپ ترور شد

گفتنی آنکه گاردین نیز در سرمقاله خود به این موضوع پرداخت و نوشت: گفته می‌شود که در سال ۲۰۰۹، مقامات اسرائیلی برای حمله هوایی به ایران قبل از روی کار آمدن باراک اوباما به دنبال کمک و سلاح آمریکا بودند. جورج دبلیو بوش امتناع ورزید. مشاوره‌ای که به بوش داده شده بود مشابه آنچه دونالد ترامپ در توجیه این ماه از مقامات دریافت کرده است: یک حمله نظامی می‌تواند بدون اثر باشد، ایران را به ساختن بمب اتمی نزدیک‌تر کند و ممکن است منجر به جنگ شود.

گاردین افزود: ترامپ بر اثر یک گزارش بازرسان سازمان ملل احساس خطر کرده بود که به افزایش قابل توجه ذخایر اورانیوم‌اشاره داشت. ترامپ خواستار گزینه‌های نظامی می‌شود اما او را منصرف می‌کنند و حالا توجه‌ها به این مسئله است که آیا او برای سایر اقدامات پوششی علیه ایران چراغ سبز داده است؟

در این مطلب آمده است: آمریکایی‌ها و تحلیلگران منطقه‌ای گمانه‌زنی می‌کنند اسرائیل تنها در صورتی می‌تواند در این ترور [فخری‌زاده] دست داشته باشد که اجازه ترامپ را گرفته باشد. این توضیح به چند دلیل منطقی است. ترور جمعه مانند ترور ژانویه گذشته، ژنرال سپاه پاسداران قاسم سلیمانی، اقدامی فوق‌العاده تحریک‌کننده است. این خطر دارد ایران را به تلافی مسلحانه علیه برجسته‌ترین دشمنانش - اسرائیل، عربستان سعودی و نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه سوق دهد. ترور، از این نظر، به معنای اعلام جنگ است.

گاردین نوشت: هیچ یک از رهبران اسرائیل و یک فرد بی‌مسئولیت همانند بنیامین نتانیاهو، یک بار هم گامی چنین خطرناک را بدون آنکه با واشنگتن شفاف‌سازی کند، انجام نمی‌دهد. آمریکا و اسرائیل در کلیه خرابکاری‌های داخل ایران همکاری داشته‌اند.

در ادامه این مطلب آمده است: اگر ایران اقدام تلافی‌جویانه انجام بدهد، می‌تواند خاورمیانه را به هرج و مرج بکشاند و امیدهای بایدن برای یک شروع دوباره را از بین ببرد.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

روسیاهی سازمان ملل، آژانس و FATF در یک جنایت تروریستی

سکوت یا انفعال سازمان ملل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کارگروه FATF در قبال ترور دانشمند هسته‌ای و دفاعی کشورمان عبرت‌آموز است.

گوترش دبیرکل سازمان ملل در موضعی شرم‌آور، بدون محکوم کردن ترور جنایتکارانه شهید فخری‌زاده صرفا از ایران خواسته که خویشتنداری نشان دهد تا اقداماتی انجام نشود که به تنش در منطقه دامن بزند! گزارش حقوق‌بشر سازمان ملل هم این جنایت را «قتل هدفدار و تخطی از حقوق‌بشر»! ارزیابی کرد! برخی دولت‌های اروپایی هم موضع مشابهی گرفته یا بدون استفاده از عنوان «تروریستی»، از «اقدام مجرمانه» یاد کرده‌اند؛ چنانکه بیانیه اتحادیه اروپا می‌گوید. آقای بعیدی سفیر ایران در انگلیس (عضو سابق تیم مذاکرات هسته‌ای) از دولت انگلیس خواست ترور شهید محسن فخری‌زاده را صریحا محکوم کند. گفتنی است انگلیس در ترور برخی دانشمندان هسته‌ای ما همکاری داشته است. وزیر خارجه آلمان هم بدون محکوم کردن آمران ترور، صرفا گفته این ماجرا اوضاع منطقه را بدتر می‌کند و همه طرف‌ها از اقداماتی که باعث تنش می‌شود، خودداری کنند. دولت فرانسه نیز مثل دولت انگلیس سکوت (توأم با رضایت) اختیار کرده و حال آنکه پاریس هم مثل لندن، پناهگاه گروه‌های تروریستی است. سفارت ایران در پاریس نیز از دولت فرانسه خواسته تا جنایت تروریستی اخیر را محکوم کند. سکوت توأم با رضایت دولت‌های اروپایی در قبال جنایت رژیم صهیونیستی در حالی است که دولت آقای روحانی و وزارت خارجه، بارها اقدامات تروریستی ناچیز در این کشورها را محکوم کرده و بلافاصله پیام تسلیت فرستاده‌اند.

اما در این میان، سکوت آژانس و FATF از جهات دیگری قابل تامل و توجه است. آژانس، به خاطر دسترسی‌ها و بازرسی‌های فراوانی در پوشش رژیم ویژه بازرسی برجام- که بعضا سالی ۴۰۰ بازرسی را هم شامل می‌شود- دسترسی فراوانی به اطلاعات سری ایران پیدا کرده و متاسفانه در موارد متعدد آنها را درز داده است. تلخ‌تر اینکه رژیم صهیونیستی و سرویس جاسوسی آن در حالی به برخی از این اطلاعات سری از جمله درباره دانشمندان ایرانی دسترسی پیدا کرده‌اند که هم به واسطه حمایت آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، بمب اتمی تولید کرده و هم در عین حال، حاضر به پذیرش معاهده ان‌پی‌تی و نظارت آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای خود نیست.

FATF نیز مدعی مبارزه با تامین مالی تروریسم و جرایم سازمان یافته است اما با این وجود در حالی که ایران- قربانی تروریسم- را مورد فشارهای تحریمی مد نظر آمریکا قرار می‌دهد، حاضر نیست رژیم صهیونیستی و آمریکا و فرانسه و انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی حامی تروریسم را مورد فشار قرار دهد. جالب اینکه پاریس همزمان میزبان FATF و گروهک تروریستی سازمان منافقین است. این سازمان تروریستی، جزو اولین افشاکنندگان اسامی دانشمندان هسته‌ای ایران بوده و به عنوان مزدور، مجری میدانی برخی ترورها بوده است.

یادآور می‌شود به گزارش المیادین، یوسی کوبرفسر مدیرکل سابق وزارت امور راهبردی رژیم صهیونیستی در مورد ترور شهید فخری‌زاده تاکید کرد: محسن فخری‌زاده، قاسم سلیمانی برنامه هسته‌ای ایران است و تنها اسرائیل می‌تواند چنین حادثه‌ای را رقم زده باشد. نشریات آمریکایی و اروپایی بسیاری هم رژیم صهیونیستی را متهم اصلی این ترور معرفی کرده‌اند. نیویورک تایمز به نقل از مقامات اطلاعاتی نوشت اسرائیل پشت پرده ترور محسن فخری‌زاده است.

مؤمنی: روحانی تصمیمات تورم‌زا می‌گیرد و بعد اظهار شگفتی می‌کند

یک کارشناس اقتصادی حامی دولت، سیاست ارزی دولت روحانی را فاجعه‌بار توصیف کرد.

فرشاد مؤمنی در یک نشست مجازی گفته است: زمانی که دلار چهار هزار و دویست تومانی اعلام شد ما جزو جدّی‌ترین مخالفان آن بودیم ولی مخالفت ما از جنس مخالفت رانت جوها نبود. ما مطالبه می‌کردیم تا اینها یک گزارش پنج صفحه‌ای رو کنند و بگویند این تصمیم که تا این درجه برای کشور تصمیم ساز هست حتی به اندازه گزارش دو صفحه‌ای هم مطالعه پشت سر خودش دارد یا ندارد. سپس بحث این بود که دلار چهار هزار و دویست تومانی اسم رمز باز کردن باب تضعیف جدیدی از ارزش پولی ملّی است.

ما می‌گفتیم دلار سه هزار تومانی هم برای مردم ما لایطاق است. این مسئله باعث شده مردم در زمینه تامین بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی خودشان برای بقاء هم دچار بحران شوند. بنابراین تحت این عنوان و اینکه می‌خواهیم یکسان سازی کنیم به طرح بحث می‌پرداختند. ما می‌گفتیم این یک فریب بزرگ و بازی رانتی هست و آنها این بازی را برای جهش‌های بعدی در نرخ ارز مقدمه چینی می‌کنند که با کمال تأسف تمام پیش‌بینی‌های ما درست درآمد. اما علیرغم همه خطاهایی که در اصل ماجرا وجود داشت گروه‌های رانتی از این موضع با دلار چهار هزار و دویست تومانی مخالفت می‌کردند که می‌گفتند اگر قرار باشد نرخ روی این رقم قرار بگیرد و بایستد آن گونه که قاعده‌گذاران ادعای توخالی می‌کردند می‌گفتند منافع ما چه می‌شود. بدین دلیل که منافع رانت خورها، رباخورها و دلال‌ها در قیمت‌های بالاتر دلار است و در حالی که منافع حکومت و تولیدکنندگان و عامه مردم بویژه فرودستان در این است که قیمت دلار پایین‌تر باشد. پس اصل ماجرا از اساس نادرست بود.

این اقتصاددان خاطرنشان کرد: بازی رانتی شماره یک این بود که گفتند این کار خلق رانت می‌کند و در حالی نرخ ارز در بازار آزاد بیشتر است تمرکز به قیمت‌های پایین‌تر نرخ ارز برای فقرا و تولیدکننده‌ها رانت و فساد ایجاد می‌کنند. ما گفتیم اگر مسئله حساسیت اینها درباره رانت هست واقعاً با موازین علمی قابل محاسبه است. ما الگو و روش شناسی توماس پیکتی برای اندازه‌گیری رانت ایجاد شده در اثر سیاست‌های تورم‌زا را مبنا قرار دادیم و من عدد و رقم‌های آن را در همان زمان منتشر کردم و نشان دادم اینکه اینها می‌گویند ما نرخ چهار هزار و دویست تومانی را برای مایحتاج مردم و مواد اولیه تولیدکننده‌ها روی قیمت ارز نیمایی و ارز آزاد بیاوریم حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ برابر رانت ناشی از دلار چهار هزار و دویست تومانی در توصیه گروه‌های رانتی خلق رانت اتفاق می‌افتد. خوب نسبت‌ها را توجه کنید. ۳۵۰ برابر رانت ایجاد می‌شد ولی اینها رانت ۳۵۰ برابری را کم اهمیت جلوه دادند و تمام تمرکزشان را روی این گذاشتند که دلار چهار هزار و دویست تومانی رانت ایجاد می‌کند.

نیمه اول امسال زمانی که آثار و نتایج آن سیاست ظاهر شد آقای رئیس‌جمهور از افزایش قیمت مایحتاج اساسی مردم اظهار شگفتی فرمود. در مصاحبه‌ای گفتم واقعاً اگر حساب و کتابی در کار کشور بود همگان باید از اظهار شگفتی آقای رئیس‌جمهور در شگفت می‌ماندند که سیاست تورم زا را اتخاذ می‌کنید، اکنون اظهار شگفتی می‌کنید. زمانی که نرخ ارز را بالا می‌برید معلوم است اینها گران می‌شوند!

بقیه حرف‌ها فرار از مسئولیت است مجمع روحانیون از مردم عذرخواهی کند

عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون می‌گوید اگر حاکمیت، آشتی ملت را می‌خواهد، باید مردم را ببیند.

محمد مقدم در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد اظهار داشت: مجمع روحانیون همیشه تمام تلاشش را به کار بسته که نگاه خود را نسبت به انتخابات بر اساس تلقی امام و سررشته‌داران اصلی انقلاب، مشخص و شفاف کند. مجمع روحانیون می‌کوشد در این مسیر رابطه مردم با انتخابات، رابطه حاکمیت با انتخابات و رابطه حاکمیت با مردم را به صورت شفاف توضیح دهد. بر این اساس برای انتخابات آتی هم تلاش خودش را به کار خواهد بست. در حال حاضر مجمع، کمیته‌ای تشکیل داده که در آن اعضا راهکارها را برای مساله انتخابات بررسی می‌کنند. تلاش بر این است که در فضای انتخاباتی کشور پیش از هر مساله، نگاه سررشته‌داران انقلاب و در راس آن امام راحل نسبت در امر انتخابات و جمهوریت مشخص و تبیین شود. حالا باید به پیگیری‌ها و تلاش‌ها ادامه بدهیم و جلو برویم تا ببینیم که آیا حاکمیت می پذیرد و شرایط را برای این نگاه فراهم می کند یا نه؟!

وی می‌افزاید: ما می‌خواهیم مشخص کنیم انتخابات به چه معناست. وقتی از نظام جمهوری سخن می‌گوئیم، این به چه معناست. ما گام به گام پیش می رویم. مجمع هیچ‌گاه دعوا ندارد و هیچ وقت هم اهل تحریم نیست. اگر شرایط مساعد بود و انتخاباتی بر اساس شاخص های منطقی و معقول برگزار شد، انتخاباتی که در آن رقابتی آزاد جریان داشته باشد، طبیعتا مجمع حضور عینی و فعال‌تری خواهد داشت. اما اگر انتخاباتی با شاخص‌های مدنظر شکل نگرفت، مجمع وظیفه خود می‌داند که مساله را برای جامعه روشن کند و بگوید که چه انتخاباتی را مشروع می داند و شاخص‌های این انتخابات آزاد چیست.

مقدم همچنین درباره علت دلسردی مردم گفته است: اگر مردم مشاهده کنند دولتی که سکان امور را به دست می گیرد، چندان توجهی به این مطالبات ندارد، برای بار بعد احتمالا آنها هم چندان انگیزه‌ای برای مشارکت نخواهند داشت. باید تاکید کرد کسانی که منتخب مردم هستند و مردم به آنها رای می دهند، باید وعده‌هایی را به مردم بدهند که واقعا می‌توانند آن را محقق کنند و می‌توانند به آن پایبند باشند. اما بخش دیگر این دلسردی سیاسی متوجه حاکمیت است. اگر حاکمیت به گونه‌ای عمل کند که مردم باورشان شود که رای آنان تاثیری در تصم